

دانشگاه تربیت معلم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان

عنوان:

بررسی فقهی و حقوقی حضور و

اشتغال زن در رسانه

استاد راهنما:

همشید معصر پور

دانشجو:

زهرا پیر جلیلی

بهمن ۱۳۸۹

چکیده :

امروزه رسانه یکی از عناصر جدا نشدنی از ماهیت اجتماع می باشد. علاوه بر این رسانه و اجتماع دارای ارتباط دوسویه می باشند و دارای تاثیر بر روی یکدیگر و تاثیر از هم دیگر می باشند. این رابطه دوسویه، اهمیت موضوع رسانه را دوچندان می کند .

حضور زن به عنوان نیمی از اجتماع ، در رسانه غیر قابل اجتناب می باشد. در این پژوهش نه تنها حضور زن در رسانه به عنوان یک حق اجتماعی پذیرفته و اثبات شده بلکه با توجه به تهاجم فرهنگی موجود در کشور، حضور زن در رسانه به عنوان جبهه اصلی این نبرد، ضروری انگاشته شده است. این ضرورت همانند هر فعل ضروری دیگر ، منافاتی با وجود ضوابط و شرایط برای اشتغال و حضور زن در رسانه نمی باشد. این باید ها و ضوابط در چهارحوزه حقوقی، فقهی، اخلاقی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

از آنجایی که در حقوق ایران قانون خاصی ناظر به اشتغال زن در رسانه نداریم، به بررسی اشتغال زن به نحو عام (محدودیت های حقوقی برای همه افراد) و خاص (: محدودیت های مختص به اشتغال زن) پرداخته ایم.

در بخش دوم ،در حوزه فقهی پوششش را به عنوان اصلی ترین ضابطه حضور زن در رسانه به اثبات رسانده ایم. با توجه به اختلافی که در بین فقها درمورد جزئیات حجاب وجود دارد در مورد جزئیات ورود نکرده ایم و فقط به بیان اصول کلی حجاب اکتفا کرده ایم.

در حوزه مسائل اجتماعی، رعایت حجاب به عنوان یک وظیفه اجتماعی و به عنوان مرزی برای تفکیک بین زندگی خصوصی و اجتماعی مورد کنکاش قرار گرفته است. دیگر ضابطه حضور زن در رسانه، توجه به موضوع «نگاه» و نقش آن در پیوند های اجتماعی می باشد.

در حوزه اخلاق ، ضابطه حضور زن در رسانه، خانواده و حریم های آن می باشد . بدین معنا که نباید حضور زن در رسانه به محوریت زن در خانه لطمه ای وارد نماید.

از آنجایی که در هر سه حوزه مذکور، کتاب ها و مقالات، ارزشی وافر دارند ،روشی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته روش کتابخانه ای می باشد.

کلمات کلیدی :

زن، رسانه، اشتغال، حقوق ، فقه

۱	کلیات
۱	مقدمه
۲	منبع شناسی
۳	ضرورت پژوهش
۳	سوال های پژوهش
۴	فرضیه پژوهش
۵	بخش اول : مفاهیم و مبانی نظری
۵	فصل اول مفاهیم
۵	مبحث اول : حضور
۱۲	مبحث دوم اشتغال
۲۰	مبحث سوم : کرامت و شان زن
۳۶	مبحث چهارم رسانه:
۵۳	فصل دوم : بررسی اشتغال زن
۵۳	مبحث اول : بررسی اشتغال زن در فقه
۷۱	مبحث دوم : بررسی اشتغال زن در حقوق ایران
۸۳	بخش دوم : باید ها و نباید های حضور دیداری و شنیداری زن در رسانه
۸۳	فصل اول : باید ها و نباید های فقهی
۸۳	مبحث اول : رویکرد فقها و علمای معاصر به حضور زن در رسانه
۸۸	مبحث دوم : رویکرد فقه در نگاه به تصویر زن
۹۸	مبحث سوم : پوشش
۱۰۲	مبحث چهارم : استثناهای پوشش
۱۰۴	فصل دوم: باید ها و نباید های اجتماعی
۱۰۴	مبحث اول : نقش نگاه در پیوندهای اجتماعی
۱۱۳	مبحث دوم : پوشش، وظیفه ای اجتماعی
۱۲۰	فصل سوم : باید ها و نباید های اخلاقی
۱۲۶	نتیجه
۱۲۷	منابع

کلیات

مقدمه :

در طول تاریخ زندگی بشر، ارتباط با هم نوع یکی از نیازهای اساسی بشر بوده است. با گذر تاریخ و دوره های مختلف زندگی بشر، نحوه برطرف شدن این نیاز فطری متنوع بوده است ولیکن اصل وجود آن هیچ گاه مورد خدشه واقع نشده است.

گسترش امکانات ارتباطی در همه ابعاد زندگی بشر تاثیر گذار بوده است و یکی از ابعادی که مورد تاثیر قرار داده است نحوه ارتباط افراد با یکدیگر است. امروزه هیچ کشوری را نمی توان یافت که در آن از وسایل ارتباط جمعی استفاده گسترده نشود.

کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با گسترش انواع وسایل ارتباط جمعی، لزوم استفاده از آن روز به روز بیشتر نمایان می شود.

از آنجایی که کشور ما طبق قانون اساسی و اراده مردم در انقلاب اسلامی، تحت تعالیم فقه شیعی اداره می شود، همه اصول و فروع آن نیز باید با فقه شیعه مطابقت داده شود. رسانه و حضور افراد مختلف در آن یکی از موضوعاتی است که در حدود و ثغور آن از لحاظ حقوقی و فقهی، در طول سالیان قبل و بعد از انقلاب بسیار مورد توجه بوده است و مطالب بسیاری نیز پیرامون آن بیان شده است.

از آنجایی که در کشور ما حضور زنان در عرصه فعالیت های اجتماعی اصلی پذیرفته شده است بر آن شدیم تا ابعاد حقوقی و فقهی حضور زن در رسانه را که یکی از مهمترین وسایل تاثیر گذاری در اجتماع است، بررسی نماییم تا هر چه بیشتر و بهتر عرصه حضور صحیح بانوان در تعیین سرنوشت جامعه محیا شود.

به همین منظور به بررسی مبانی و چهارچوب های فقهی و حقوقی زن در رسانه و همچنین بررسی برخی جزئیات آن در غالب دو بخش خواهیم پرداخت.

منبع شناسی :

در زمینه مورد پژوهش ، به طور کلی منابع بسیاری اعم از کتاب ، مقاله و ... موجود هست. ولیکن آن چیزی که برای روند پژوهش ایجاد مانع می کند ، دو مقوله است :

مقوله اول تک بعدی بودن این منابع ، بدین معنا که هر یک از کتبی که به موضوع مورد نظر ما ارتباط داشت ، قسمتی از عنوان پایان نامه را پوشش می داد. به عنوان مثال منابعی فقهی که در مورد پوشش زن وجود داشت ، صرفاً به پوشش زن به نحو کلی می پرداخت و از بیان مسئله در زمینه پوشش زن در رسانه خود داری کرده اند. همچنین در زمینه رسانه، کتاب های موجود بیشتر به موضوع رسانه از دید جامعه شناسی _ فرهنگی و یا تخصصی در زمینه مطالعات ارتباطاتی پرداخته است و کمتر موردی را توانستیم بیابیم که به موضوعات رسانه و زنان در زمینه فقهی پرداخته باشد.

مقوله دوم مربوط به قسمت حقوقی پژوهش حاضر است . در زمینه های حقوقی موردی پیدا نشد که به ابعاد و چهارچوب های حقوقی «حضور» زن و تکالیف «حقوقی» او به طور خاص در رسانه پرداخته باشد . به همین علت مجبور شدیم تا در مقوله «اشتغال» زن از لحاظ حقوقی بیشتر کنکاش کنیم تا بلکه با روشن تر شدن موضوع در این زمینه بتوانیم ارتباط مفهومی بین «اشتغال» به نحو کلی و «حضور» زن در رسانه از لحاظ حقوقی ایجاد کنیم.

علی رغم مشکلات فوق ، مباحث مفصل و خوب فقهی در زمینه حجاب به عنوان اصلی ترین باید حضور زن در رسانه موجود بود که در حد وسع از آنها استفاده گردید.

استفاده از کتب تفسیری و فقهی علما و فقها و همچنین استفاده از مقالات گوناگون فقهی کمک خوبی به روشن شدن موضوع مورد پژوهش نمود .

ضرورت پژوهش :

تبیین ضرورت این پژوهش نیاز به دو مقدمه مختصر دارد که در اینجا به آن می پردازیم. مطلب اول اینکه در صده اخیر ارتباطات الکترونیکی رشد روزافزونی پیدا کرده و این گسترش روز به روز نیز ادامه دارد. استفاده از این ارتباطات امروزه به یک نیاز غیر قابل انکار تبدیل شده است. به نحوی که دیگر به سختی می توان شخصی را پیدا کرد که قادر به برطرف کردن همه نیاز های خود بدون استفاده از این ارتباطات باشد. این گسترش رسانه در کشور ما نیز با توجه به روند رو به رشدی که در این زمینه وجود دارد، بیش از پیش اهمیت می یابد. بدون شک وسایل ارتباط الکترونیکی جزئی لاینفک از جامعه امروزی کشور ما محسوب می شود. تبیین مشخصات، چهارچوب ها و باید ها و نباید های این قسمت از جامعه به تنهایی ضرورت فراوانی دارد.

مطلب دوم اینکه در کشور ما به نحو کلی نگاه به حضور زنان در جامعه، یک طیف را شامل می شود. از تفکرات فمینیستی غلیظ که خواهان تشابه و تساوی بدون مرز حقوق بین زن و مرد است تا تفکرات واپس گرایانه که زنان را جز در کنج خانه نمی پذیرند. پیدا کردن نظر متناسب با جامعه دینی و روبه پیشرفت امروزی ما نیز ضرورت فراوانی دارد.

دو مقدمه فوق در پدیده «رسانه» با یکدیگر تلاقی پیدا می کنند و ضرورت های مذکور در این مقوله به صورت تصاعدی افزایش می یابد. تبیین چهارچوب های فقهی و حقوقی حضور زن در رسانه موضوعی است که با بیانات فوق پرداختن به آن ضرورت می یابد.

سوال های پژوهش :

با توجه به اینکه امروزه ورود «زنان» به عنوان نیمی از جامعه در رسانه واقعیتی انکار ناپذیر است، سوالاتی در این زمینه بوجود می آید که در طول این پژوهش در پی پاسخ به این سوالات می باشیم :

۱. آیا حضور زن در رسانه ضرورتی دارد و یک تکلیف است و یا اینکه حضور بانوان در رسانه را به حد ضرورت باید رساند؟

۲. آیا فرقی بین حضور زن در جامعه و در رسانه از لحاظ اجتماعی وجود دارد؟ اگر تفاوتی هست چه مواردی را شامل می شود؟

۳. آیا از لحاظ فقهی و حقوقی برای اشتغال و حضور زن در رسانه ضوابطی هست؟ این ضوابط چیست؟

فرضیه پژوهش:

با توجه به اینکه موضوع مورد پژوهش در حیطه مفاهیم اجتماعی می باشد و با توجه به اینکه چهارچوب های دینی یکی از ضرورت های اجتماعی جامعه ما می باشد، فرضیه این پژوهش چنین است که :

« حضور زن در رسانه یک ضرورت اجتماعی است . این حضور باید با رعایت ضوابط دینی و شرعی باشد و هیچ ضرورتی، رعایت این ضوابط را نفی نمیکند. حجاب به عنوان اصلی ترین باید حضور زن در رسانه ، محور اصلی فرضیه این پژوهش می باشد.»

بخش اول : مفاهیم و مبانی نظری

فصل اول مفاهیم

در حوزه علوم انسانی ، مفاهیم مهمترین و اصلی ترین عناصر شکل دهنده و حیاتی این حوزه می باشد . به همین منظور در این فصل به بیان مفاهیمی که بیشترین استفاده را در این پایان نامه دارند می پردازیم.

از آنجایی که در عنوان این پایان نامه چهار مفهوم اساسی یافت می شود ، در این فصل به بیان این موارد می پردازیم . در مبحث اول به تبیین مفهوم حضور و معنای آن پرداخته می شود . در مبحث دوم به مفهوم اشتغال و در مبحث سوم به تبیین مفهوم کرامت و شان زن و در مبحث چهارم به بیان مفهوم رسانه پرداخته می شود .

مبحث اول : حضور

در این مبحث برآنیم تا معنای حضور را تبیین نماییم و تا حد ممکن ابعاد مختلف این مفهوم را روشن نماییم . برای دقیق تر شدن هدف مذکور ، در گفتار اول مفهوم حضور را بررسی خواهیم کرد . و در گفتار بعدی به تبیین انواع این مفهوم خواهیم پرداخت . در گفتار سوم ، به بررسی دیدگاه اسلام نسبت به حضور زن در جامعه خواهیم پرداخت .

گفتار اول : معنای حضور

از آنجایی که بسیاری از لغات در اصطلاح^۱، معنایی به غیر از معنای کاربردی آن دارد ، در این گفتار مفهوم حضور را از دیدگاه لغوی و اصطلاحی بررسی می کنیم تا دریابیم که این مفهوم نیز وارد در قاعده فوق می گردد یا خیر . بنا براین ابتدا به معنای لغوی حضور و بعد به معنای اصطلاحی حضور می پردازیم .

بنا به رسم مرسوم در ابتدا به بیان معنای حضور در لغت می پردازیم :

در دهخدا معنای حضور را چنین نوشته است :

حاضر آمدن .

-حضور بهم رسانیدن ؛ حضور داشتن .

-حضور داشتن ؛ بودن در جایی . شرکت کردن در مجلسی .

-حضور یافتن ؛ حاضر شدن .^۱

بنا براین به غیر از همان مفهوم «بودن» در جایی نمی توان معنای دیگری برای معنای لفظی حضور در نظر گرفت

از آنجایی که حضور دارای معنایی بسیط می باشد نیازی به توضیح لغوی بیشتر این لفظ نیست حضور در اصطلاح تقریباً همان معنای حضور در لفظ را می رساند با این تفاوت که در اصطلاح ، از حضور بیشتر معنای « وجود داشتن و موثر بودن» به ذهن می رسد که در تضاد با غیبت و عدم وجود است .

با بررسی های انجام شده معلوم می شود که معنای حضور _ حد اقل در معنای اصطلاحی _ جدای از « ظهور» است و در واقع می توان معنای موثر بودن را مترادف و هم معنی حضور اصطلاحی دانست . بعد از معلوم شدن معنای حضور ، در ادامه به بیان انواع حضور می پردازیم .

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷

گفتار دوم : انواع حضور

در این گفتار به بیان معنای انواع حضور مادی (فیزیکی) و معنوی و رابطه منطقی بین این دو می پردازیم. حضور مادی تقریباً همان معنای ظهور و آشکار بودن مادی و فیزیکی را شامل می شود و به حالتی گفته می شود که فردی یا چیزی در فضایی وجود مادی داشته باشد. در این نوع از حضور قید دیگری لازم نیست و موثر بودن با موثر نبودن فرد یا شیء مد نظر نیست و صرفاً ظهور مادی، مطابق با این نوع از حضور تطبیق داده می شود.

حضور معنوی مترادف با موثر بودن و اثر از خود بر جای گذاشتن است. بنا بر این موثر بودن را می توان قرین با حضور معنوی دانست.

با روشن شدن معنا و تفاوت حضور مادی و معنوی می توان بین این دو مفهوم یک رابطه منطقی برقرار کرد

از نسبت های چهارگانه منطقی، نسبت میان رابطه «حضور معنوی» با «حضور مادی» عموم و خصوص من وجه است. همانطور که می دانیم از این نوع رابطه چهار قضیه منطقی منتج می شود که در زیر به بیان آنها می پردازیم:

- حضور مادی و عدم حضور معنوی: بدین معنا که فردی در فضایی موجود باشد ولی موثر نباشد.
- حضور مادی و حضور معنوی: بدین معنا که فردی در فضایی هم حضور مادی داشته باشد و هم حضور معنوی و موثر.

- حضور معنوی و عدم حضور مادی: بدین معنا که فردی ظاهراً در فضایی و یا روندی حضور مادی نداشته باشد ولیکن دارای تاثیر بوده و موثر بر روند یا فضای مذکور باشد.

- عدم حضور مادی و عدم حضور معنوی: که تصور این حالت بدیهی و بدون نیاز به توضیح است. ارائه روابط فوق از این جهت مهم است که ما در ادامه به این واقعیت خواهیم پرداخت که بسیاری از اختلافات مبنایی در حوزه فعالیت اجتماعی زنان ناشی از این است که غالباً افراد (مخصوصاً در تفکر فمینیستی) قائل به رابطه فوق نیستند بلکه صرفاً حضور موثر را فقط در صورت حضور مادی محقق می دانند. در حالی که ما به شدت معتقدیم و در پی اثبات آنیم که زن می تواند حضور معنوی و موثری در اجتماع و از جمله در رسانه داشته باشد بدون آنکه حضور فیزیکی و مادی ضرورت داشته باشد.

با مطالب بیان شده لازم به ذکر است که از این به بعد منظور و مقصود ما از لفظ حضور، نوع دوم آن یعنی حضور معنوی و تاثیر گذار است. هرچند که طبق مطالب گفته شده روشن گردید که در بسیاری موارد ممکن است برای حضور معنوی، ضرورت بر حضور مادی هم باشد و یا ضرورتی نداشته باشد.

تشخیص وجود یا عدم ضرورت بسته به شرایط متفاوت است و ما در اینجا می‌توانیم کلیات را بر شماریم و تشخیص آن به خاطر تنوع مصادیق متفاوت خواهد بود.

گفتار سوم: اسلام و حضور در جامعه

اینکه زن دارای چه حق و حقوقی است یکی از مباحث بسیاری قدیمی ریشه دار و در عین حال چالشی می‌باشد که قصد ورود تخصصی به این حوزه را نداریم بلکه صرفاً بر آنیم تا ببینیم که آیا حضور زن در اجتماع و به تبع در رسانه یک حق است و یا تکلیف.

در ابتدا به مبانی حق بودن حضور زن در جامعه می‌پردازیم. بدیهی است هنگامی که ما بتوانیم حضور زن در اجتماع را یک حق برای او در نظر بگیریم، به تبع حق حضور زن در رسانه نیز اثبات خواهد شد. چرا که امروزه و با تغییر و تحولات بنیادی که در مفاهیم و عرصه‌های مختلف ایجاد شده، رسانه یکی از اساسی‌ترین و شاید مهمترین نحوه حضور در اجتماع باشد. تا آنجا که حتی عده‌ای مدعی شده‌اند با بررسی نحوه حضور زن در رسانه‌ی کشور‌های مختلف، می‌توان به دیدگاه اجتماعی حاکم بر آن جامعه نسبت به زنان آگاه شد.

بنابراین در ادامه به دلایلی می‌پردازیم که نشان می‌دهد اسلام حضور زن در جامعه را یک حق برای زنان می‌داند.

بیعت و استقلال مالی دو دلیل اصلی برای حق بودن حضور زن در اجتماع مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی خویش و انتخاب نخبگان سیاسی و اجتماعی و فرهنگی به مردان اختصاص ندارد. در صدر اسلام بیعت وسیله‌ای برای حضور اجتماعی و اعلام نظر برای گزینش رهبران جامعه بوده است و تاریخ هم نشان می‌دهد که زنان نیز همانند مردان در قضیه بیعت با پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌مشارکت داشته‌اند.

ای پیامبر اگر زنان مؤمن نزد تو آمدند تا با تو بیعت کنند که هیچ‌کس را شریک خدا قرار ندهند و دزدی و زنا نکنند . . . و در کارهای نیک از تو نافرمانی نکنند با آنها بیعت کن و برای آنان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است.^۱

علاوه بر بیعت و مشارکت اجتماعی، از نگاه اسلام استقلال مالی و مشارکت در مبادلات و معاملات اقتصادی جامعه و مالکیت بر حاصل کار و درآمد ناشی از آن به جنس مردان اختصاص ندارد.

۱. ممتحنه: ۱۲

مردان را از آنچه کسب می کنند بهره ای است و زنان را نیز از آنچه کسب می کنند بهره ای می باشد.^۱
مردان را از مالی که پدر و مادر و یا خویشاوندان بعد از مردن خود باقی می گذارند بهره ای است و زنان را هم از آنچه که پدر و مادر و خویشاوندان از خود باقی می گذارند بهره ای می باشد.^۲
استاد شهید مطهری می فرماید:

«اسلام به شکل بی سابقه ای جانب زن را در مسائل مالی و اقتصادی رعایت کرده است. از طرفی به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده و دست مرد را از مال و کار او کوتاه کرده است و حق قیمومت در معاملات زن را که در دنیای قدیم سابقه ممتد دارد و در اروپا تا اوایل قرن بیستم رایج بود از مرد گرفته است و از طرف دیگر با برداشتن مسئولیت مالی بودجه خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزام برای دوییدن به دنبال پول معاف کرده است.»^۳

استقلال مالی و بیعت بدین نحو با حق بودن حضور زن در اجتماع ارتباط پیدا می کند که همانطور که مقدمه واجب نیز واجب است، نمی توان امری را حق فرد دانست ولی شرایط استیفا و رسیدن به آن حق را جایز ندانست.

بنابراین چگونه ممکن است فعالیت اقتصادی که لازمه اش حضور در اجتماع است در اسلام به رسمیت شناخته شده باشد ولی حق حضور در اجتماع به او داده نشده باشد.
یا در مورد بیعت آیات و روایات صریحی داریم که نشان دهنده عدم مخالفت امامان معصوم و پیامبر با بیعت زنان بوده و حتی در غدیر خم و فتح مکه زنان با علی (علیه السلام) و پیامبر بیعت کرده اند.

تکلیف بودن حضور زن در رسانه

همانطور که در قسمت های قبلی نیز بیان کردیم، در این دوره نمی توان تفکیک دقیقی بین جامعه و رسانه ایجاد کرد. بدین معنا که امروزه جامعه و رسانه در هم تنیده شده اند و هم این رسانه است که جامعه را می سازد و هم این جامعه است که در رسانه موثر است و جهت گیری آن را مشخص می کند. بنابراین یک رابطه دوسویه و مستقیم بین این دو مفهوم برقرار است. از آنجایی که قصد ما در این پایان نامه این است که با رویکرد فقهی و حقوقی به مسئله حضور و اشتغال زن در رسانه پردازیم، و از آنجایی که رسانه مفهومی است که در فقه ما سابقه طولانی ندارد، بنابراین مجبور هستیم تا از مفهوم

۱. نساء: ۳۲

۲. نساء: ۷

۳. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۶۳

دیگر معادله فوق ، یعنی اجتماع نیز به موازات و گاهی جایگزین رسانه استفاده کنیم . این جایگزینی مفاهیم در اصول غیر قابل اجتناب است ولیکن در جزئیات و در ادامه کمتر از این روش استفاده خواهیم کرد.

شاید در ابتدای امر نتوان به راحتی باور کرد که بتوان حضور زن در رسانه را یک تکلیف بر روی دوش او نهاد، ولیکن با اندکی دقت نظر و آگاهی از واقعیت های جامعه جهانی و اوضاع داخلی به راحتی در می یابیم که وضعیتی که جامعه ما اکنون در آن قرار دارد و این هجوم فرهنگی که صورت گرفته و می گیرد، چیزی کم از جنگ نظامی ندارد و همانطور که در تهاجم نظامی ، دفاع بر هر زن و مرد مسلمان واجب است در این عرصه نیز همین الزام و تکلیف وجود دارد .

از دید اسلام ، تکلیف بودن حضور زن در عرصه جهاد دفاعی امری انکار ناپذیر است که به بیان چند روایت در این زمینه می پردازیم، در روایت آمده است:

ام عطیه انصاری گفت که من در هفت جنگ همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودم و برای آنها غذا درست می کردم و مجروحین را مداوا می کردم و از بیماران پرستاری می کردم.^۱
در روایت دیگری آمده است:

شخصی از ابن عباس می پرسد که آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله زنها را نیز برای جنگ به همراه می برد؟ او در جواب گفت: آری، پیامبر صلی الله علیه و آله زنان را برای جنگ می برد، آنها را به کار مداوای مجروحان جنگی می گماشت و از غنایم جنگی آنها را نیز بهره مند می کرد.^۲

نقش زن در نهضت عاشورا و پیام رسانی او در مجامع و مجالس عمومی در کربلا و کوفه و شام بر کسی پوشیده نیست . جالب این است که از برخی روایات استفاده می شود که در میان هسته اولیه یاران حضرت مهدی در هنگام ظهور، جمع قابل توجهی از زنان حضور دارند.^۳

در انتهای این قسمت یادآوری می نماید که همانطور که ادای هر تکلیفی باید در چهارچوب و با رعایت ضوابط باشد ، حضور زن حتی از روی تکلیف باید با رعایت چارچوب ها و باید ها و نباید های فراوانی است که در مباحث بعدی به تشریح آنها می پردازیم .

گفتار چهارم : تفاوت حضور با نقش آفرینی

۱. النیشابوری ، مسلم بن حجاج ، صحیح مسلم ص ۱۹۹

۲. همان ص ۱۹۷ . نیز : سنن ابی داوود، کتاب الجهاد، ج ۳، ص ۷۴.

۳. عیاشی ، ابوالنضر محمدبن مسعود ، تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۶۵

بدیهی است که همه مفاهیم با یکدیگر دارای تفاوت ها و مرز های کم و بیشی هستند ، ولیکن در مورد مفهوم حضور ، که ما در مطالب قبلی آوردیم و یا در آینده خواهیم آورد ، آن چیزی که مد نظر ماست شامل نقش آفرینی نیز می شود چرا که حضور به معنای خاص آن (حضور فیزیکی) هیچ ویژگی ندارد که نتوان آن را برای نقش آفرینی زن در رسانه لحاظ کرد . بنابراین هرآنچه که در آینده از ضرورت ها و باید ها و نبایدها آورده می شود ، همان موارد در مورد حضور غیر مستقیم و نقش آفرین زن نیز باید رعایت شود .

مبحث دوم اشتغال

گفتار اول : معنای لغوی

در این مبحث برآنیم تا مفهوم اشتغال و اهداف آن را از ابعاد مختلف بررسی نماییم . به همین منظور ابتدا به تبیین معنای اشتغال پرداخته و بعد به مسائل مرتبط با این مفهوم می پردازیم .

همانطور که در مباحث گذشته نیز اشار کردیم ، مفاهیم در حوزه علوم انسانی ارزشی حیثیتی و اساسی دارند، به همین علت به توضیح مفهومی دیگر از این پایان نامه یعنی معنای اشتغال از لحاظ لغوی و اصطلاحی می پردازیم.

در ترجمه کلمه اشتغال در دهخدا چنین می خوانیم :

به کاری پرداختن. مشغول شدن. به کاری در شدن. به کاری سرگرم بودن .^۱

اشتغال از باب افتعال است و این باب معنای اثر پذیری در خود دارد. اشتغال از ریشه «شغل» می باشد و معنای تحت اللفظ اشتغال را می توان اثر پذیری از شغل و یا « به کاری مشغول شدن » در نظر گرفت.

در اصطلاح برای اشتغال دو معنا را می توان در نظر گرفت:

الف - اشتغال به معنای حضور در ساختار اجتماعی آن هم بدلیل بهره وری اقتصادی،

ب - اشتغال به معنای دارا بودن سهم تاثیر در تکامل جامعه.

۱- با فرض پذیرش تعریف اول که تعریفی ساخته شده در سطح بین المللی و ترجمه [Employment] است و امروز نیز تقریباً کلیه مطالعات بر مبنای این تعریف انجام می گیرد، دارای محدودیت های بسیاری است. اشتغال در این شکل به معنای دارا بودن پست رسمی درون یک ساختار (اعم از دولتی یا خصوصی) است که شاخصی برای گردآوری آمار رسمی در کشور برای مقایسه در سطح جهانی می باشد.

این شاخص تعیین کننده معیارهای دیگر، مانند میزان سواد، کارآیی، و نهایتاً تشخیص اجتماعی می باشد. این نگرش به دلیل محدودیت، بسیاری از مشاغل یا مشغولیت ها را که مستقیماً سود اقتصادی ندارد، حذف می کند.

۲- با پذیرش فرض دوم، یعنی مؤثر بودن در تکامل جامعه، نمونه هایی می توان یافت که به معنای اول و متداول شاغل نیستند، ولی در تغییر وضعیت سیاسی، فرهنگی و حتی اقتصادی جهان نقش مهم و اصولی داشتند.

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷

حضرت امام خمینی رحمه الله با این تعریف، در تمام زندگی خود شاغل بود، به معنای مشغول بودن به «نجات یک وهله از تاریخ بشر» و «ایجاد یک نقطه عطف در تکامل مدیریت عالم» که منتهی به یک انقلاب عظیم جهانی گردید.

پیامدهای اشتغال امام خمینی رحمه الله گستردگی قیام در جهان مستضعفان است که با ارتحال ظاهری، کار وی متوقف نشد و لذا فرمایش مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) که «امام خمینی یک حقیقت همیشه زنده است» عملاً محقق شده است. فردی که هر روز هزاران نفر را به راهی می خواند که راه نجات انسان ها است و همه روزه به طرفداران وی اضافه می شود، طرفدارانی که با راه او سوگند وفاداری می خورند. تعریفی که به نظر ما می تواند راهگشای مسائل امروزه باشد تعریفی است که به معنای دوم نزدیکتر باشد. یعنی باید در جامعه بکوشیم تا معنای دوم در اذهان جایگزین معنای امروزی اشتغال شود و به زنانی هم که به هر نحوی در جامعه اثر گذار هستند، ارزش و بهایی مساوی یا بیشتر از اشتغال به معنای امروزی آن قائل باشیم.

گفتار دوم: سطوح اشتغال زنان

اشتغال زنان در سه سطح خرد، کلان و توسعه تعریف می شود:

- ۱- اشتغال برای تامین زندگی خصوصی (زندگی خانوادگی)
- ۲- سهم بودن در ایجاد عدالت اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - اقتصادی یا نظام موازنه (زندگی اجتماعی)
- ۳- اشتغال به معنای سهم بودن در تکامل (زندگی تاریخی).

بخش اول: اشتغال در عرف اجتماعی امروز (سطح خرد)

تعریفی که امروز از اشتغال زنان ارائه شده و موضوع مطالعه و بررسی و ارائه راه حل قرار گرفته، اگر نتوان گفت که کاملاً، ولی به جرات می توان گفت قریب به اتفاق فعالیت ها در جهت تایید تعریف در سطح اول، یعنی تامین زندگی خصوصی و پرداختن به موضوع در سطح خرد می باشد. با بزرگ نمودن موضوعات شخصی و ناهنجاری های ناشی از آن، رفتارهای فردی محور تحقیق و بررسی در موضوعات مربوط به زنان، بویژه وضعیت شغلی آنان است و تقریباً هرگز از سهم بودن زنان (آن هم زنان انقلابی ایران) در تکامل و تغییر جهت توسعه جهانی سخنی به میان نمی آید.

بررسی در سطح خرد و تعریف اقتصادی از اشتغال، تبلیغ و اشاعه این مطلب است که زنان باید بتوانند با دارا بودن شغل خارج از منزل به استقلال اقتصادی دست یابند، تا به شوهر وابسته نباشند یا در اجتماع حضور داشته باشند.

در این شکل که به تکامل تاریخی و ریشه ناهنجاری های اجتماعی توجه نمی شود و خود محوری اصل قرار می گیرد، به طور طبیعی فریفته گری فردی و تبرج برای فریفتن دیگران هدف می شود و آنگاه معنی اصلی هنر زن بودن در تجمل و تفاخر قابل مشاهده است. نمونه بارز و عینی این نگرش را می توان در ترویج و تبلیغ آموزشهایی در موضوعات آرایش و زیبایی، سفره آرای، پخت و پز تجملی، کلاس های هنرهای دستی تزیینی، که موجب تفاخر و توجه به دنیا برای دنیا می شود، مشاهده نمود. فریفته گری در چشایی و بینایی به عنوان نمونه هنر عینی زن بودن تلقی می شود و اشتغال، اگر هم بخواهد گسترده تر از معنای دارا بودن شغل رسمی تلقی شود، این قبیل آموزش ها و مشغولیت را شامل می شود.

عوارض ناشی از تعریف اقتصادی و خرد از اشتغال

حاصل چنین نگرشی، تحقیر کرامت زن و تضعیف توانایی های روحی و ذهنی زنان می باشد. تنزل جایگاه زنان به سطح خرد و فردی و پافشاری بر احقاق حقوق خود به جای تنظیم برنامه حضور زنان در انقلاب ها و در نظام موازنه ی عدالت اجتماعی، موجب بروز ناهنجاری هایی خواهد بود که معلول نظام توزیع قدرت، توزیع اطلاعات و توزیع ثروت است و در نهایت موجب انحراف از مسایل اصولی می شود که زنان باید به آن بیندیشند و در آن جهت حرکت نمایند. از جمله مسایل اصولی، تفکر و اندیشه در زیر بنای تعاریف عمومی و پیشنهاد در تغییر و تحلیل معیارهای پذیرفته شده در سطح جهان است.

۲. اشتغال به معنای سهمیم بودن در نظام موازنه اجتماعی

سهمیم بودن در ایجاد نظام موازنه اجتماعی، که یک درجه از پرداختن به موضوعات شخصی بالاتر است، توسط تشکیل گروهها و انجمن ها و تلاش در فعالیت های گروهی و ایجاد عدالت برای قشر زنان صورت می گیرد که آن هم با نگرش توسعه ای فاصله دارد.

موازنه اجتماعی از طریق سهمیم بودن در تخصیص های کلان و مسئولیت پذیری زن نسبت به ارتقاء راندمان عوامل اجتماعی در گسترش عدالت سیاسی، عدالت فرهنگی و عدالت اقتصادی ایجاد می شود. اگر چه این کار توسط تشکل های اجتماعی و سازمانی صورت می گیرد، ولی علت به وجود آمدن تشکل ها و سازمان ها ایجاد انگیزه و حساسیت نسبت به مسایل کلان جهانی و شناخت ریشه ستم گری و ستم کشی و مقابله با آن است و این امر نهایتاً برای موضع گیری در ایجاد عدالت سیاسی و بالا بردن حضور در تصمیم گیری است.

به عبارت دیگر، نه تنها حساسیت زنان باید نسبت به عدل و ظلم در ابعاد سه گانه سیاست، فرهنگ و اقتصاد جهت داده شود، که خود به عنوان مسئول گسترش ایثار (در سیاست)، مسئول گسترش هنر (در فرهنگ) و مسئول گسترش زهد اجتماعی و نه زهد فردی (در اقتصاد) در جامعه باید شناخته شوند.

۳. اشتغال زنان به منظور توسعه و تکامل

در شکل سوم، شاغل بودن به معنای رها کردن زنان از افکار خرد و خود محورانه به افکار بلند و خداگرایانه تعریف می شود. با تعریف تکامل گرا، زنان بسیاری که در جامعه فعال هستند، با خدماتی که ارائه می دهند، در توسعه سهمیم شده و جزء شاغلین محسوب می شوند.

توسعه در صورتی حاصل می شود که محور زندگی زن، تکامل تاریخ باشد، یعنی در سطوح دوم و سوم پیشرفت، تعریفی که برای موازنه اجتماعی داده می شود جدا از محور تاریخی نیست و در زندگی خصوصی نیز حق بهره وری زن مستقل از عدالت و تکامل تعریف نمی شود. به عبارت دیگر اگر مورد اشتغال تکامل تاریخ باشد، عمده ترین وظیفه زن حتی در خانه (مقیاس خرد) ایجاد شرایط تولید ایثار و آموزش ایثار خواهد بود.

زنان مؤثر در تکامل تاریخ

در این تعریف، زنانی که دارای نقش اساسی در تاریخ اسلام و شیعه و به تبع آن در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی داشتند شاغل به حساب می آیند. در حالی که با تعریف معمول، زنان بزرگی که در تاریخ شیعه در تکامل تاریخ تاثیر داشتند غیر شاغل محسوب می شوند. به علاوه شعرا و ادبای بزرگ ایران شاغل به حساب نمی آیند، زیرا درآمد اقتصادی نداشتند. لذا ملاک و سنجش جایگاه زنان، به صورت فردی یا گروهی باید این باشد که هر فرد چه میزان از تعهد خود را نسبت به تکامل بهتر می تواند انجام دهد.

به میزان تاثیری که یک زن در تکامل انسانیت و پرورش ایثار دارد (چه با دارا بودن شغل اجتماعی، چه خانه دار بودن و چه با فعالیت های گوناگون دیگر) در جامعه دارای ارزش و احترام است و برای دیگران الگو و نمونه قرار می گیرد.

زنان مؤثر در تولید ایثار

اگر در جامعه توسعه ایثار، اصل و محور قرار گرفت، مدیریت آن به دست زنان، که مجری پرورش محبت در جامعه هستند خواهد بود. به عبارت دیگر، استراتژی این جامعه به گونه ای می شود که کرامت انسان بالا رود و به جای استکبار، ایثار و به جای ظلم، محبت بوجود آید. عوامل اجتماعی که می تواند محبت را ایجاد کرده و توسعه دهد، زنان هستند. لذا از این طریق زنان حضور مستقیم در تکامل خواهند داشت.

زنان در خدمت فرهنگ بیگانه

زنی که درآمد کلان از کار در یک شرکت خصوصی یا سازمان دولتی دارد، و آن را در یک خود کامیابی و حرص هزینه کرده یا برای تبلیغ فرهنگ غرب خرج می کند، در این گروه قرار دارد که در بهینه سازی وضعیت جامعه باید از احترام و تجلیل کمتری نسبت به کسی که در خدمت نظام اسلامی است و زندگی ساده و کم تجملی دارد، برخوردار گردد.

لذا با تعریف اشتغال به معنای میزان سهم تاثیر در تکامل، سهم تاثیر زن ها بیش از این که در سازمان خدمات دولتی قابل تعریف باشد، در فرهنگ نظام استکباری تعریف می شود و اگر نسبت تاثیر و کارایی شخص را در سمت وی ضرب کنیم، به میزانی که سمت و منصب اجتماعی زن بالا می رود (و به عنوان الگو در جامعه مطرح می شود)، میزان تاثیر کار آمدی او در آن سمت ضریب پیدا می کند و بنابراین زنی که دارای مسئولیتی هست و عملکرد خوبی ندارد در واقع قبیح بد بودن را از بین می برد و معنای خوبی را عوض می کند.

